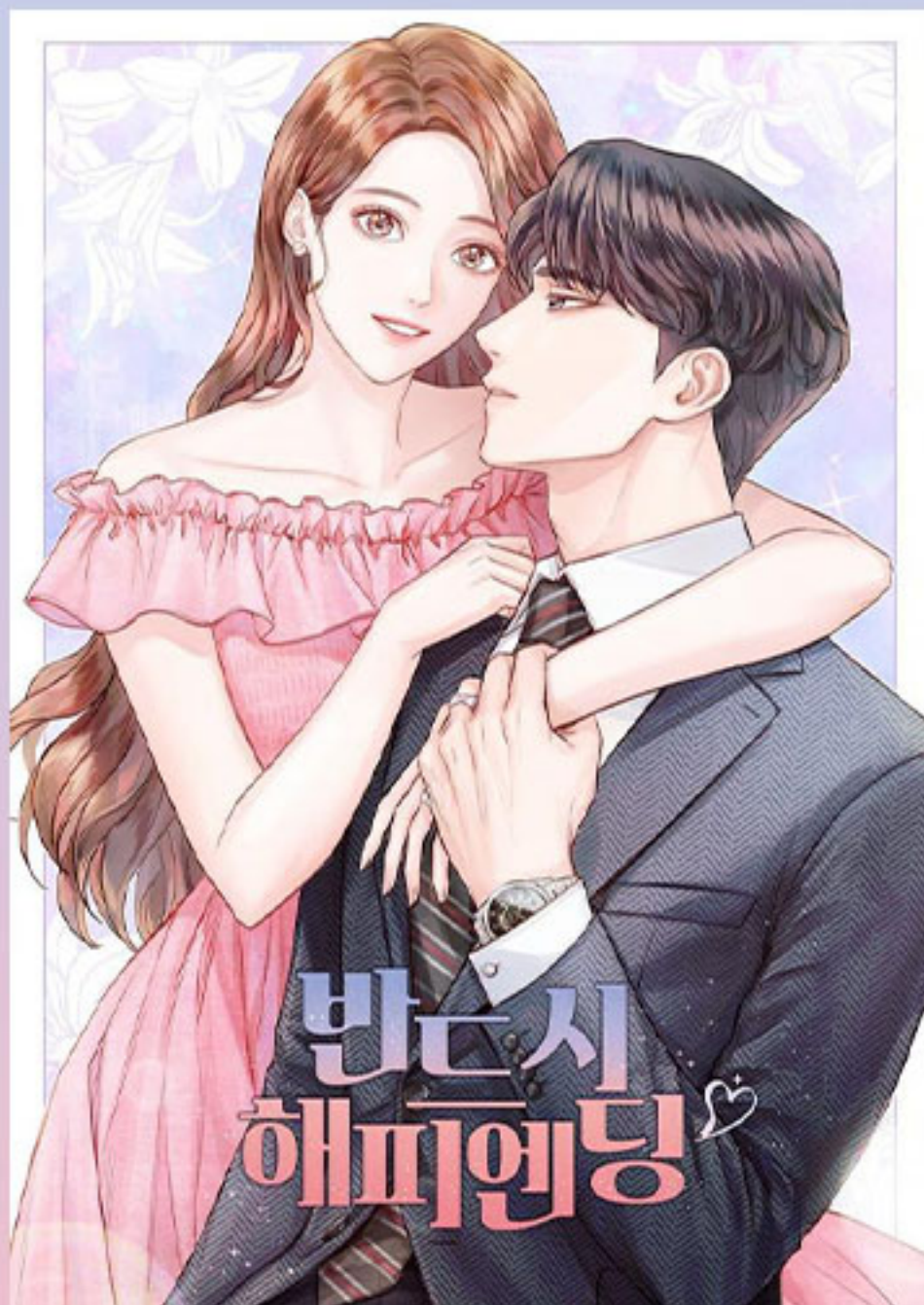




IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Vera
Hell
Robin

مترجم:

کلینر:

تایپیست:

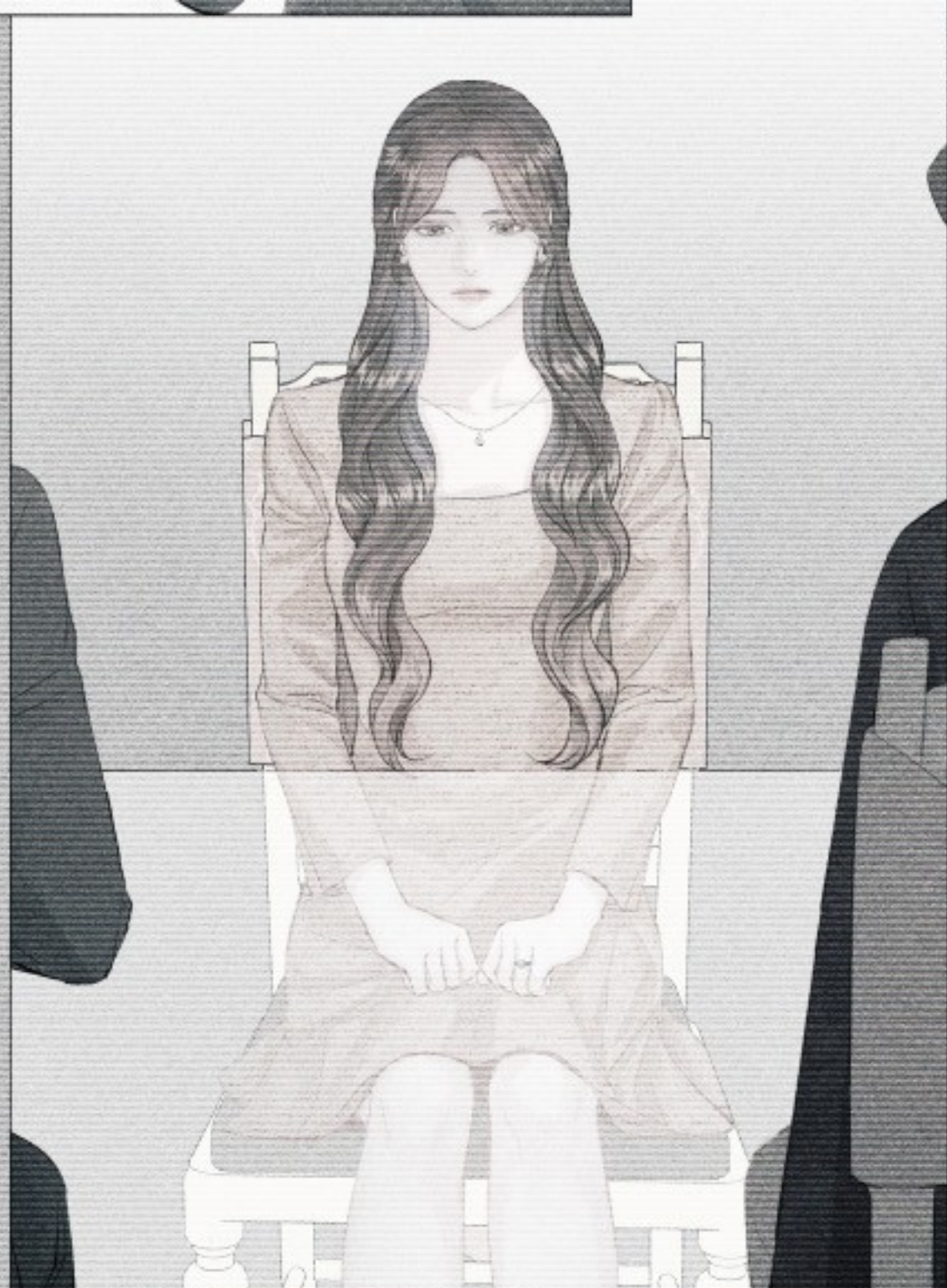


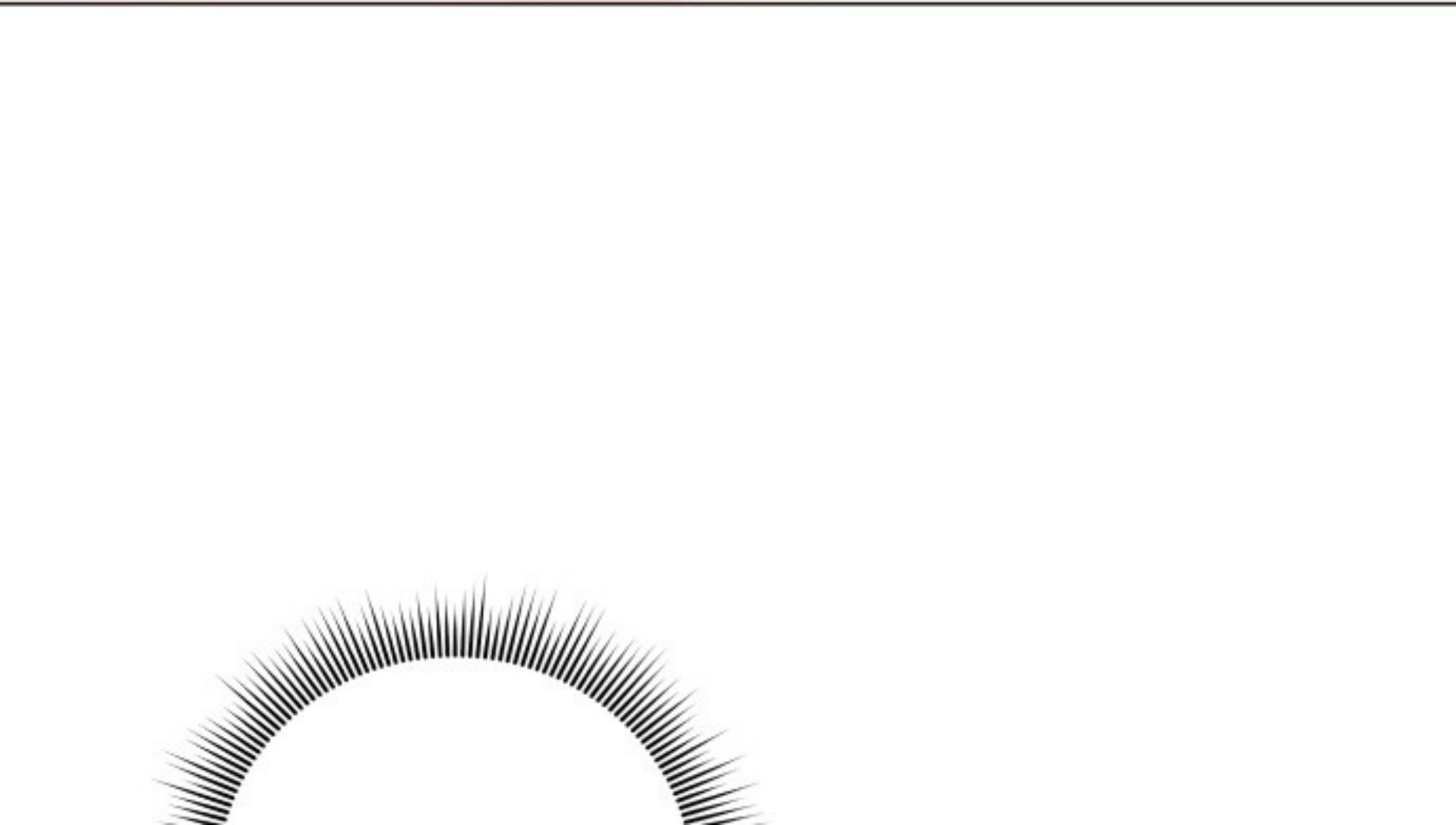
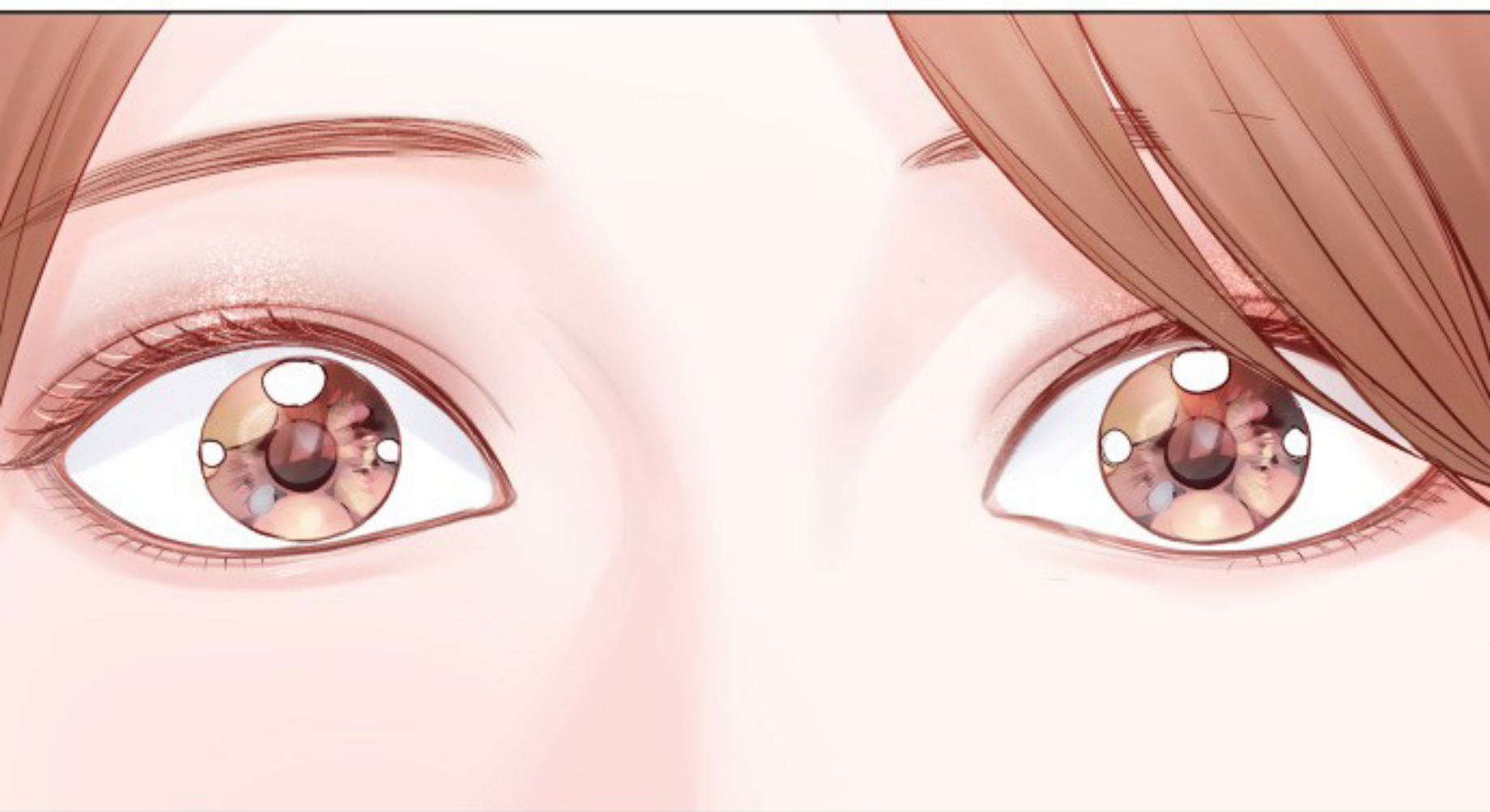
پهتره دونه دونه
انجامشون بدم.



همه چیز رو به نوبت تغییر میدم.







آه! درست! آه!
اون توله سگه!

바둥!



پايد توله سگه رو
نجات بدم.

چی شده؟





همین الان
برمیگردم!





반드시 해피엔딩

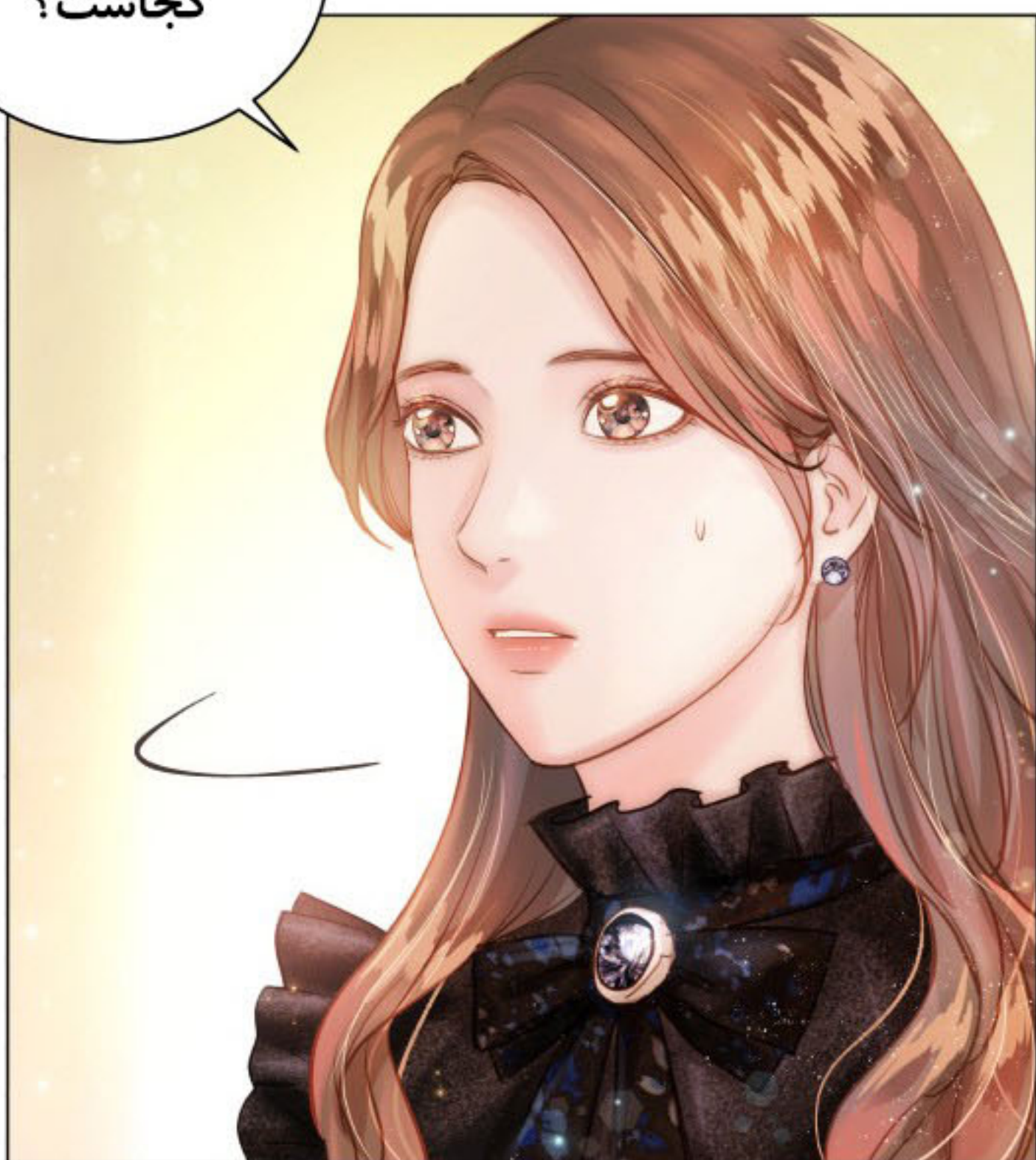
각색 불사 그림 재림
원작 플라다







اه؟
کجاست؟



مطمئنم همینجا
پیداش کردم...
چرا نیستش؟







دنبال چیزی
میگردین؟

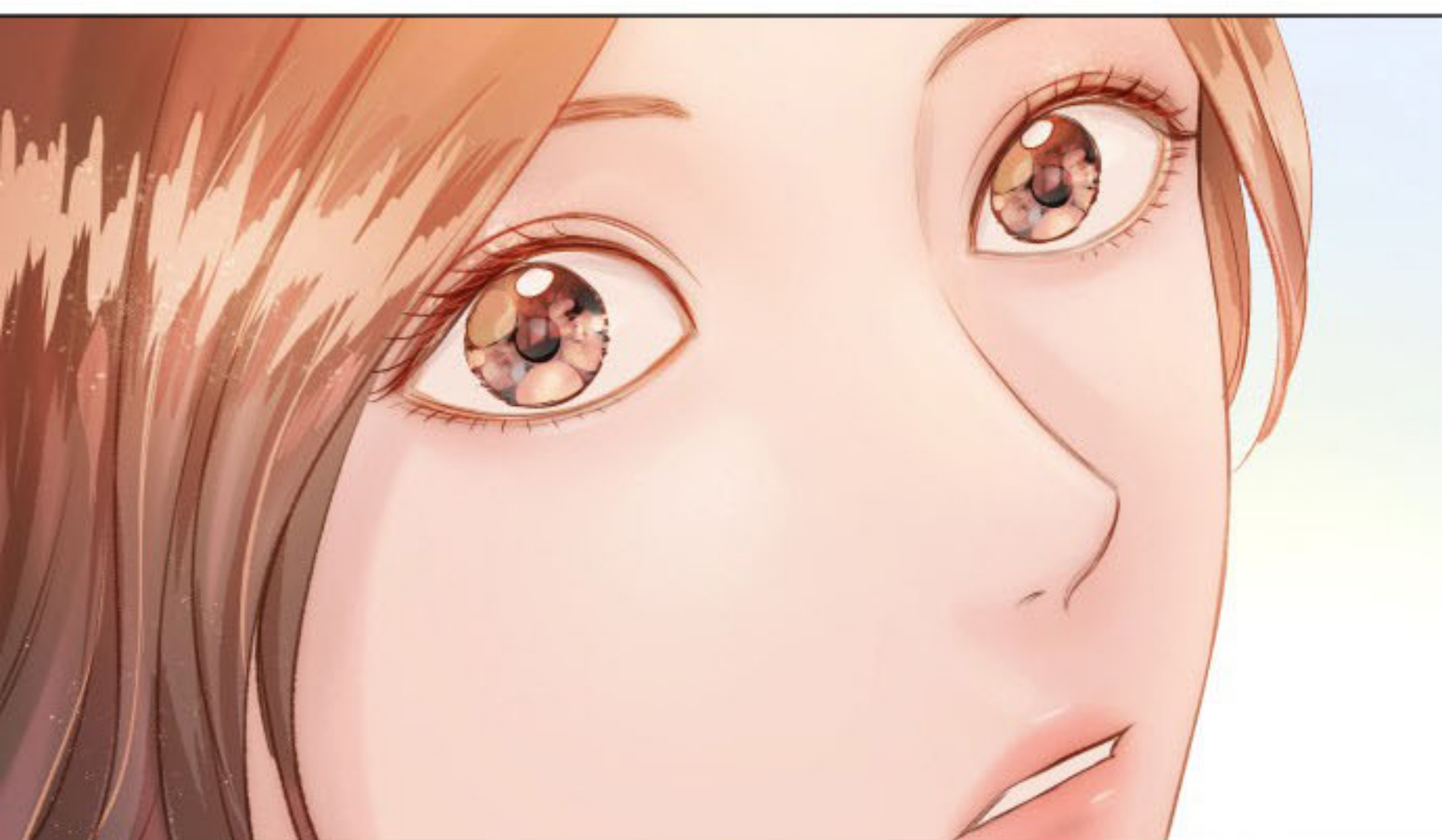
یه خونه سگ و
یه سگ اینجا بود.





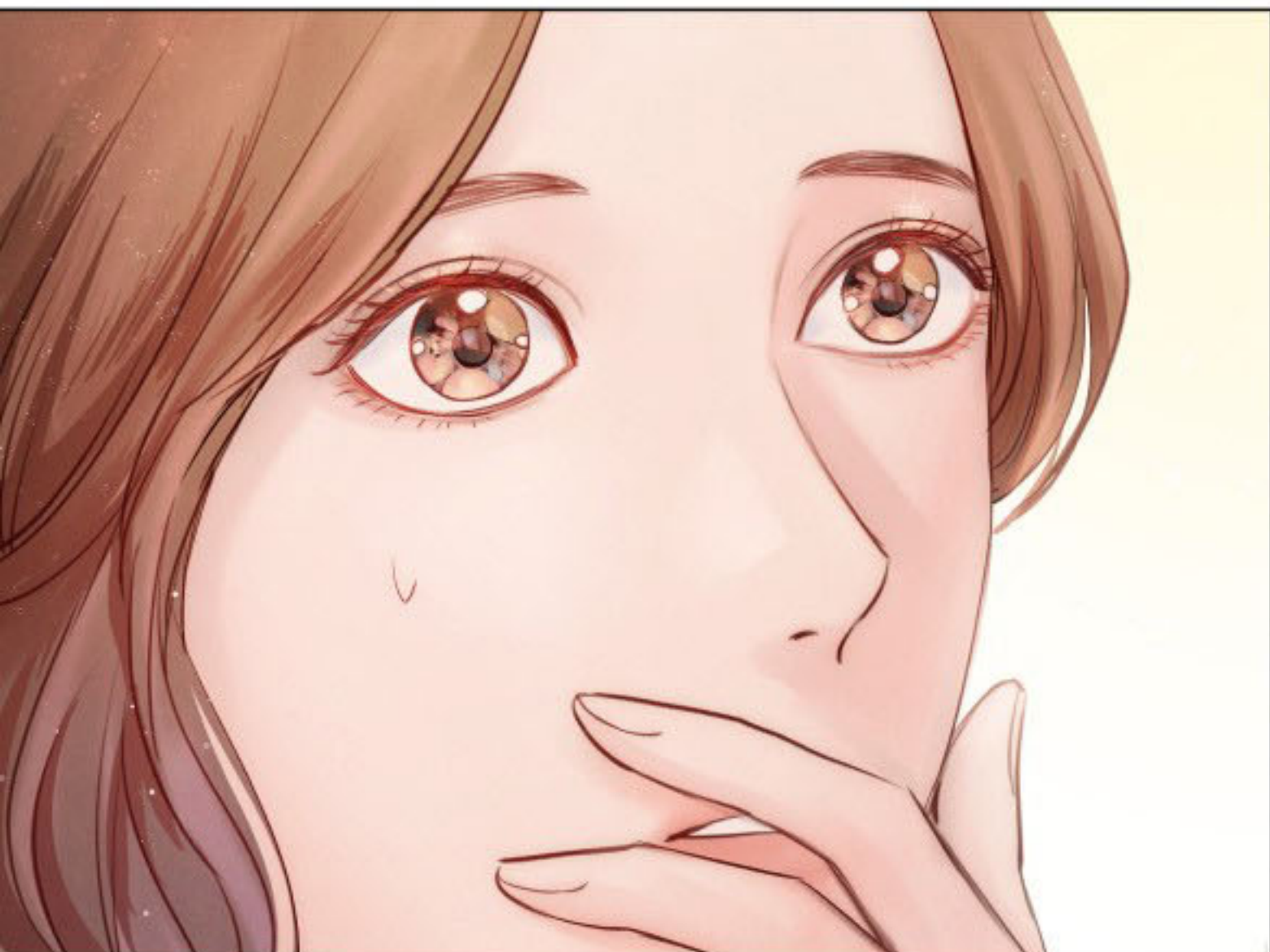
موهاش زرد بود
و چشم هاش
هم...





توله من؟



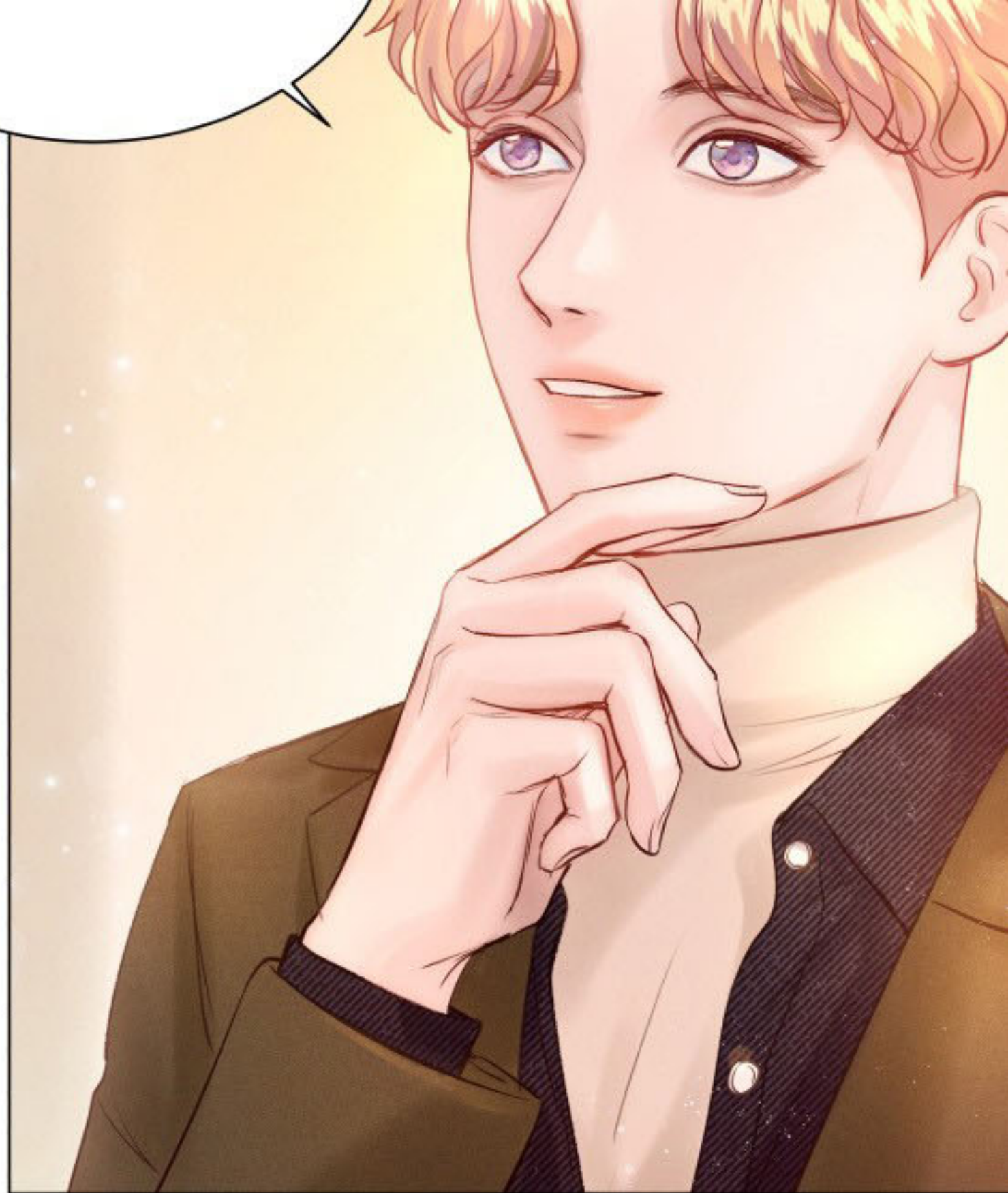




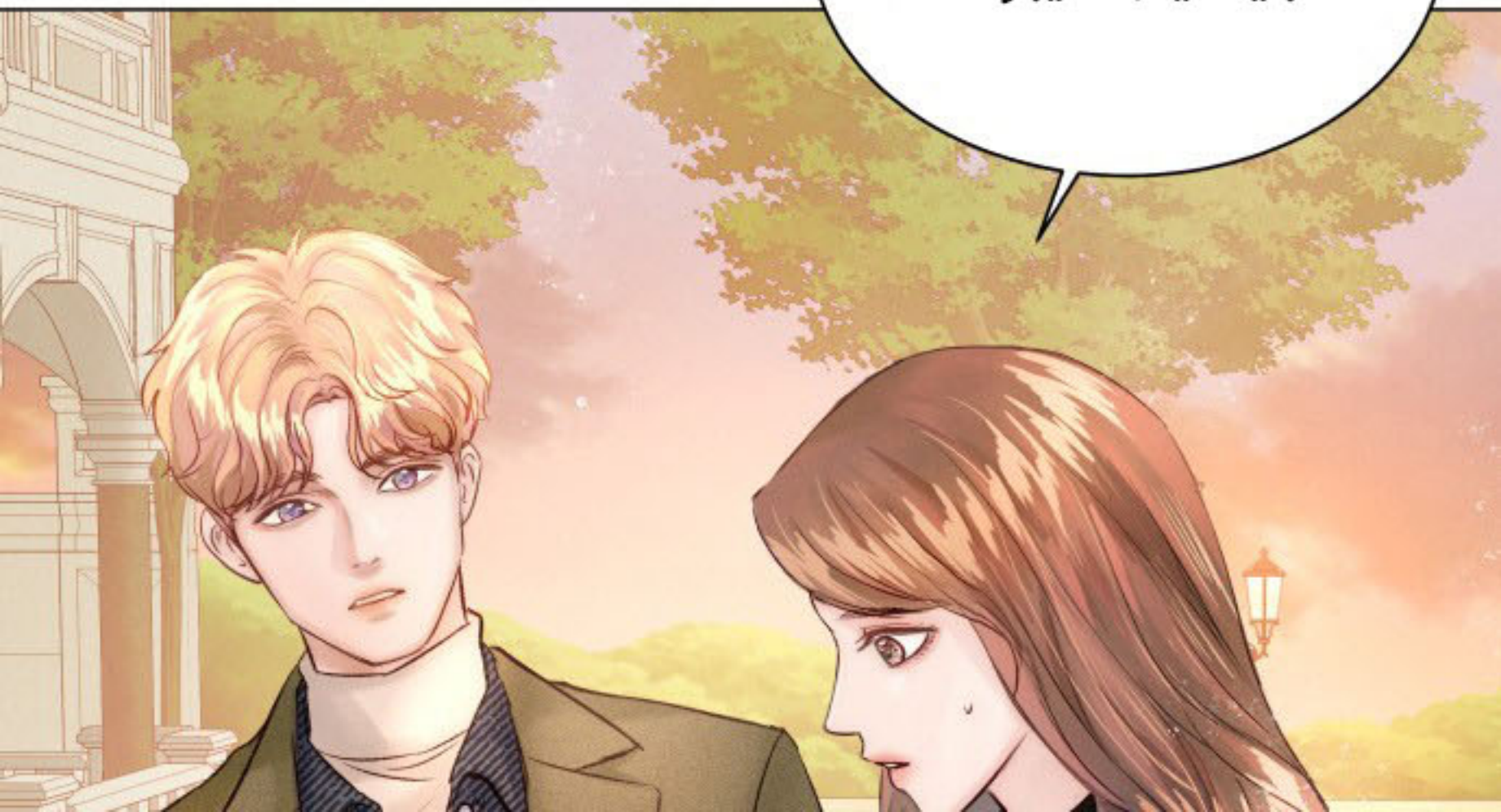
ام... شما یه توله سگ
این دور و برا
ندیدین؟



فکر نکنم. شنیدم سگ
های اینجا رویه جای دیگه
نگهداری میکنن.



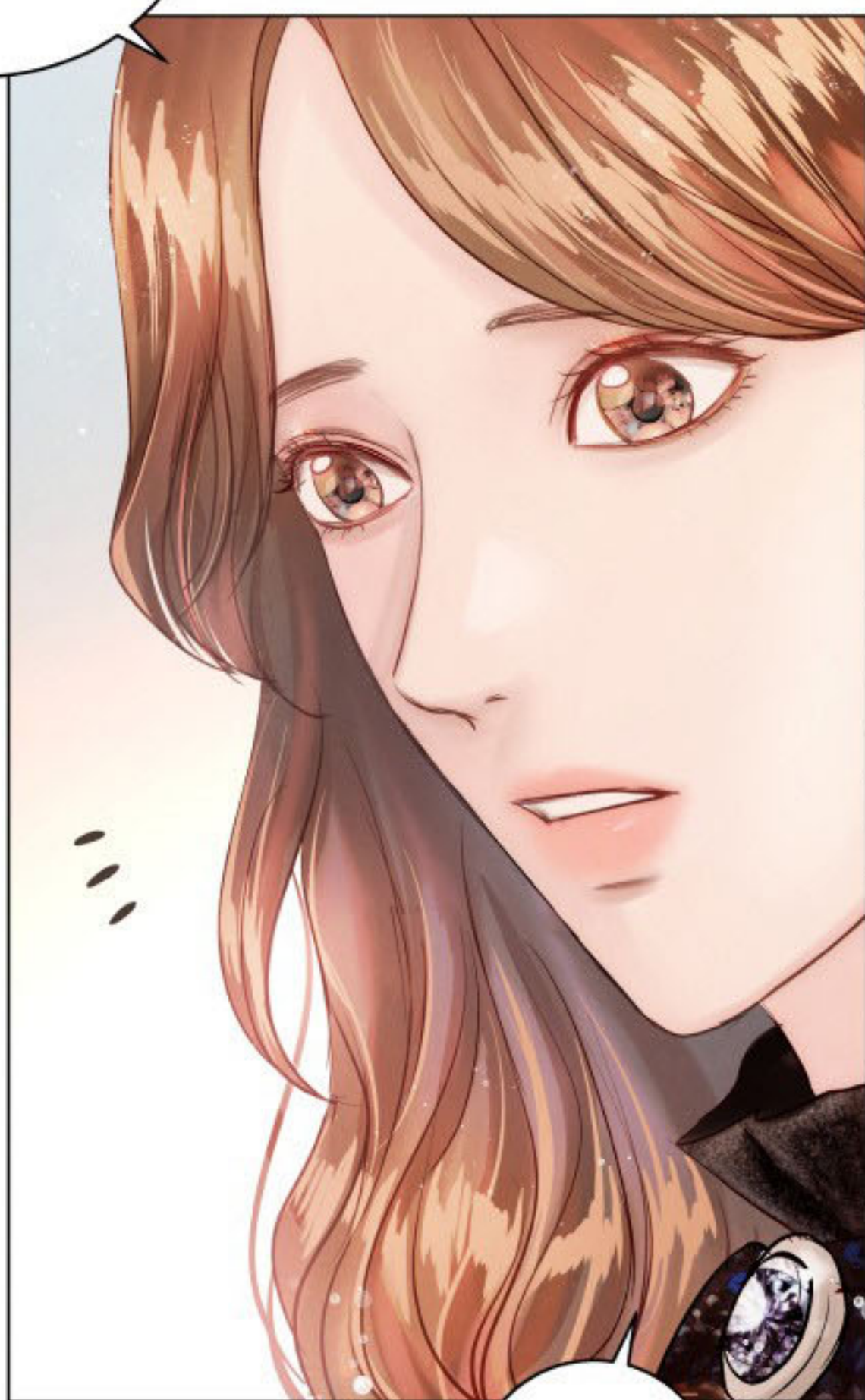
چقدر عجیب.
باید اینجا میبود.



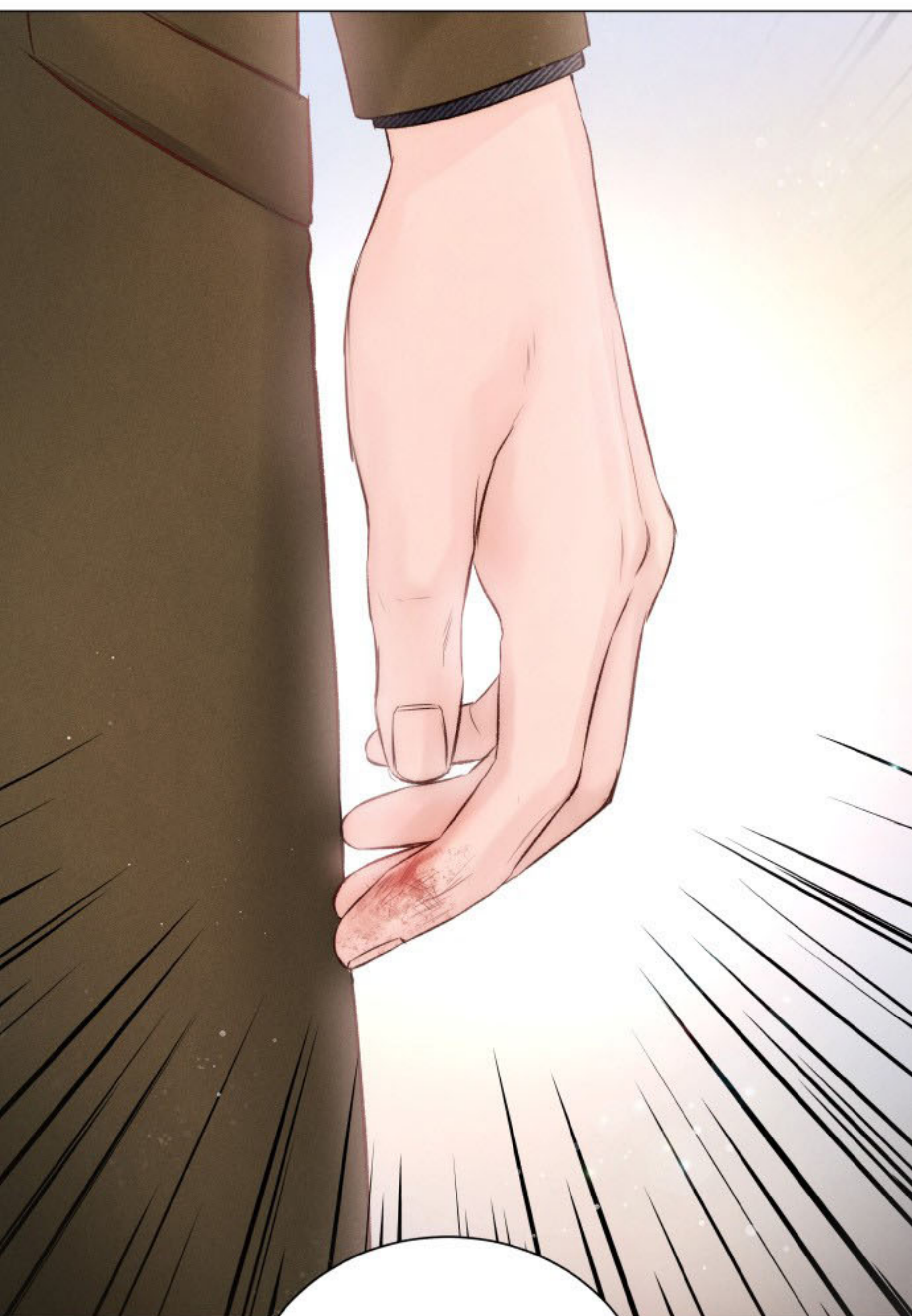


مطمئنید
درست دیدین؟

امکان نداره اشتباه
کرده باشم...



اها؟



دستتون زخمی
شده؟!

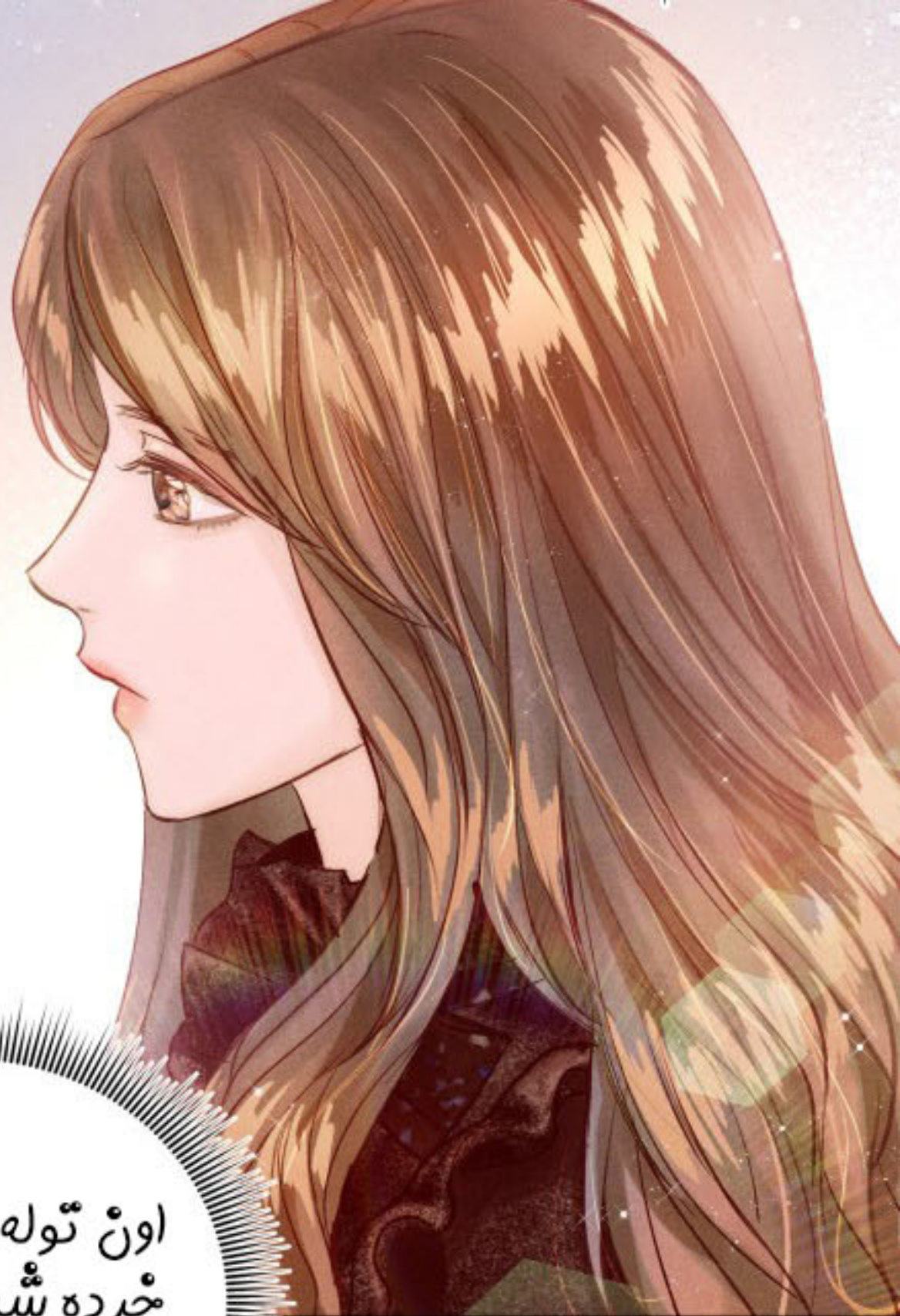
مترجم: ناموس یارو سگ از آب در اومد؟!!!

اوه، این. داشتم این دور
و برا قدم میزدم که خرده
شیشه زخمی ام کرد.



گریه *





اون توله سگه هم پا
مُرده شیشه زخمی
شده بود...

ببخشید!





مشکلی پیش
اومده؟





ایشون زخمی شدن.



چسب زخمی

چیزی دارین؟



شما بنظر از اون
آدمایی میان که یه
آدم زخمی غریبه
رو به امون خدا
ول نمیکنن.



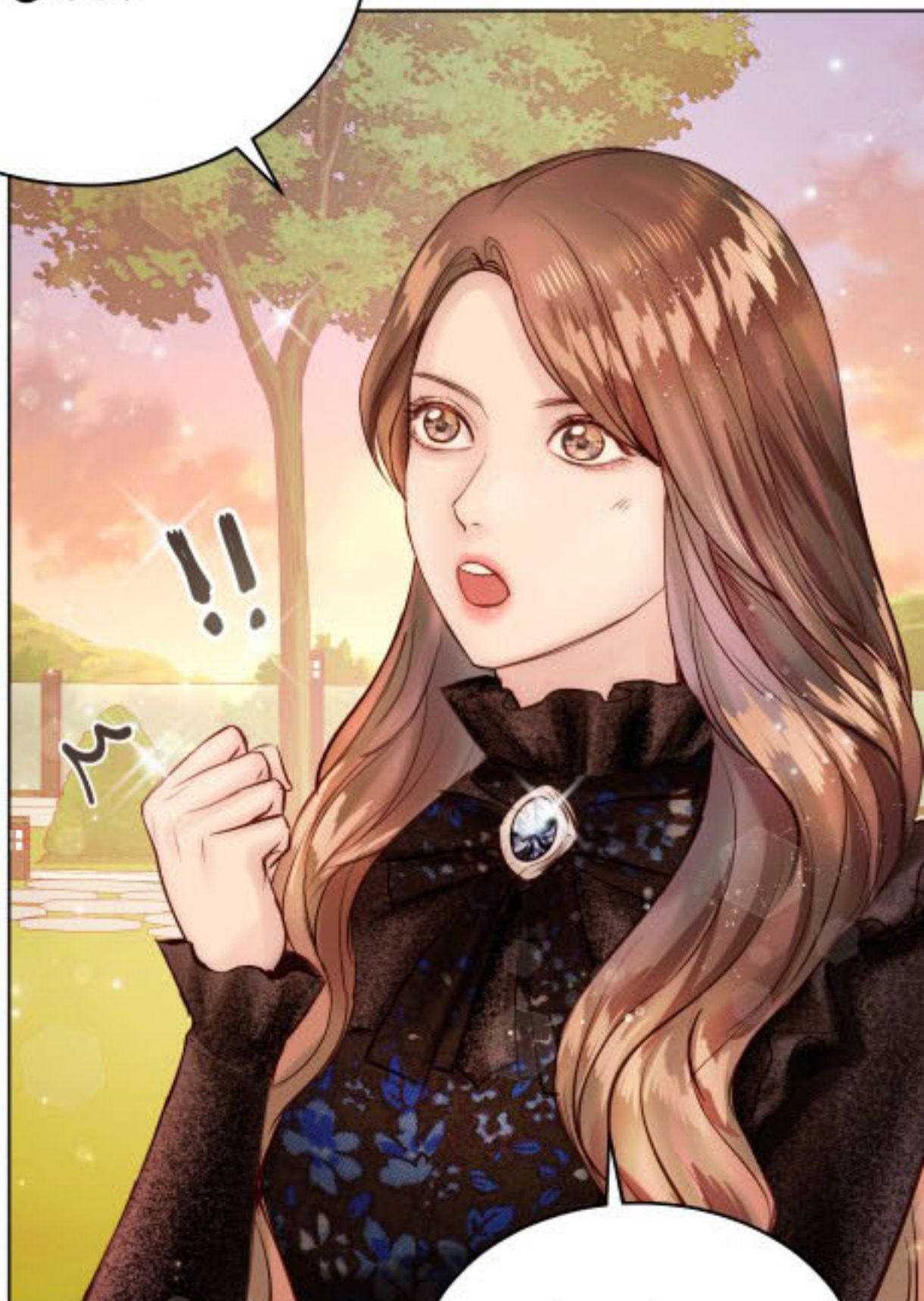
خوب بله. فکر کنم
از اونجور آدم باشم.

ممنونم. حالا دیگه نیازی
نیست برای درمانش
بیمارستان برم.



مترجم: فقط منم فکر میکنم ایه خیلی سوسولان؟

نه، حتما بايد يه
سر برين.



حتما حتما
بايد برين!





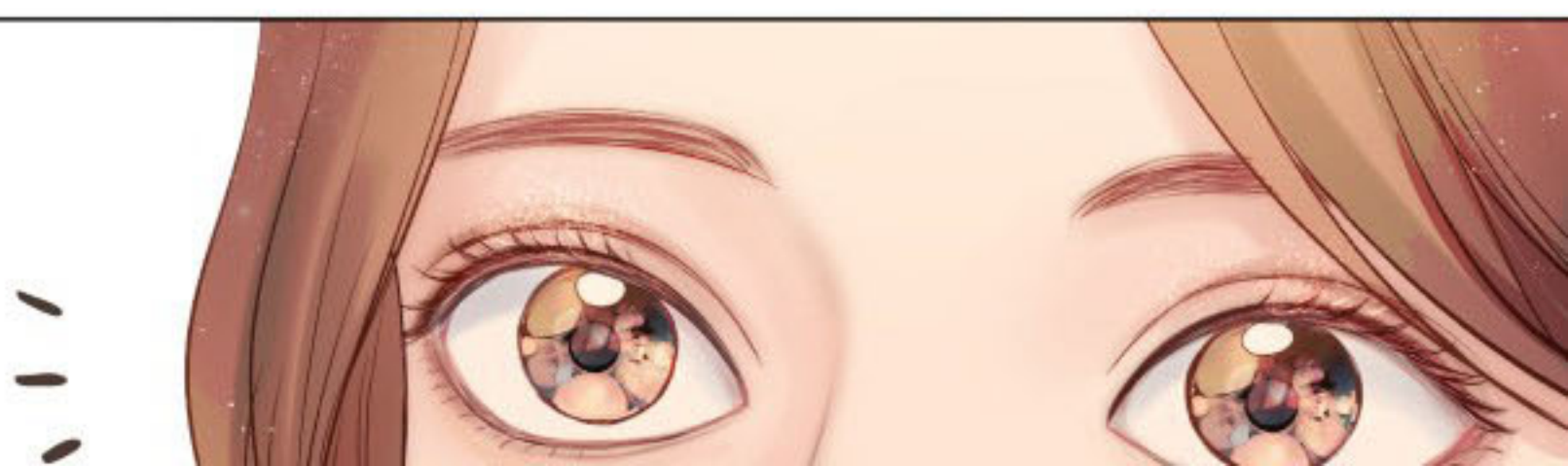
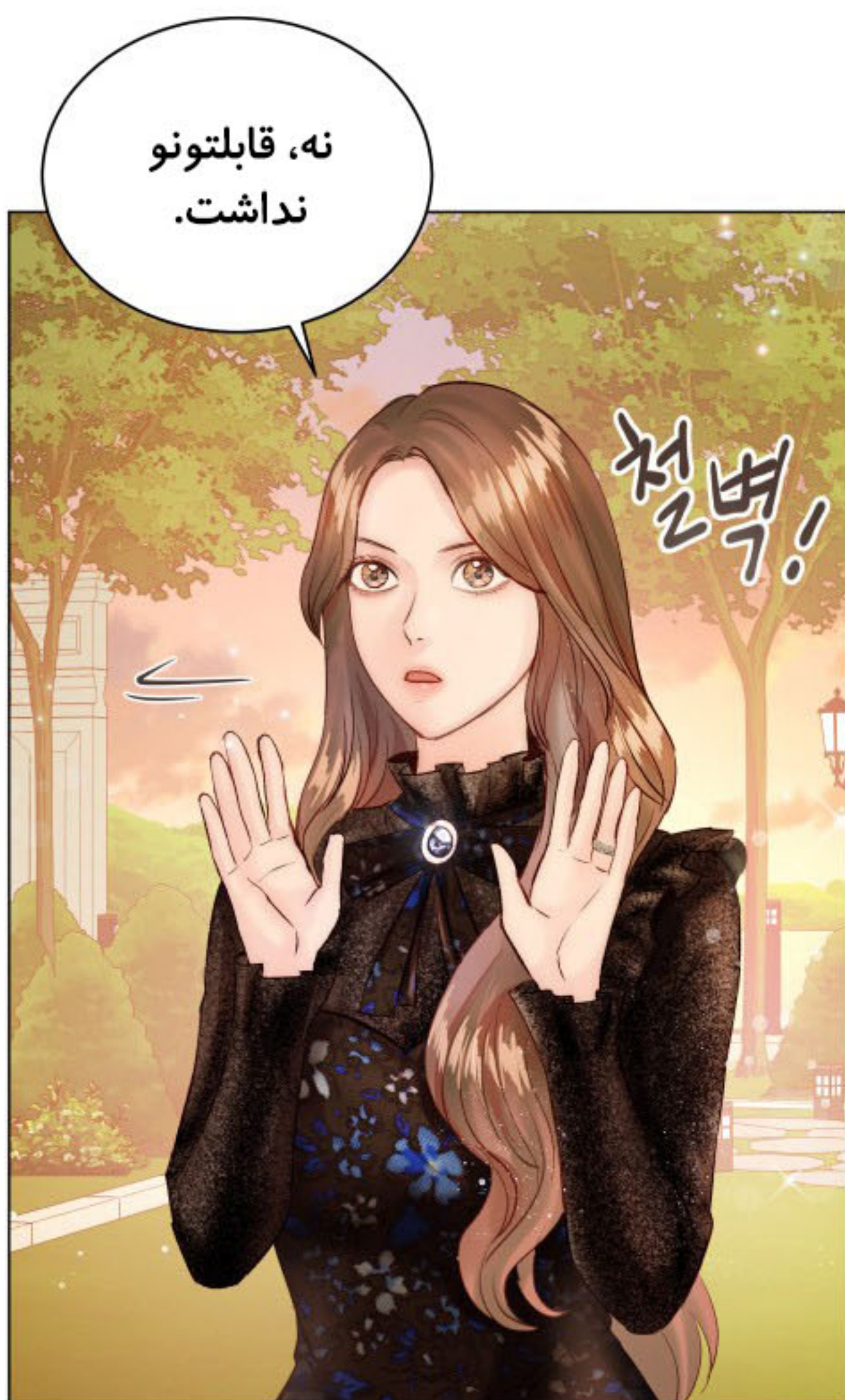
ها ها *

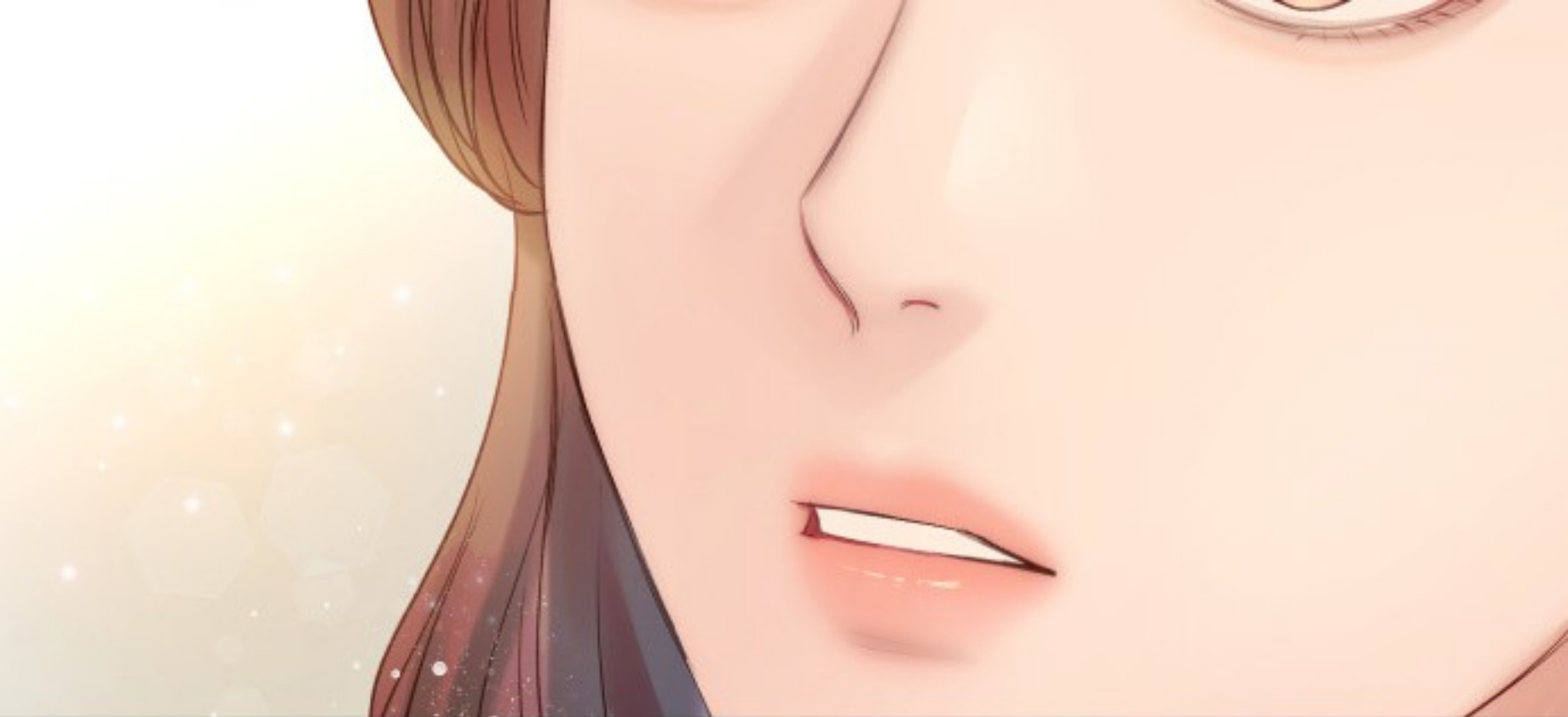
میخوام یجور دیگه ای
ازتون تشکر کنم.



ت/ا

ممکنه شماره تونو
داشته باشم؟





من دیگه مرخص میشم.
امیدوارم زود حالتون
خوب بشه.







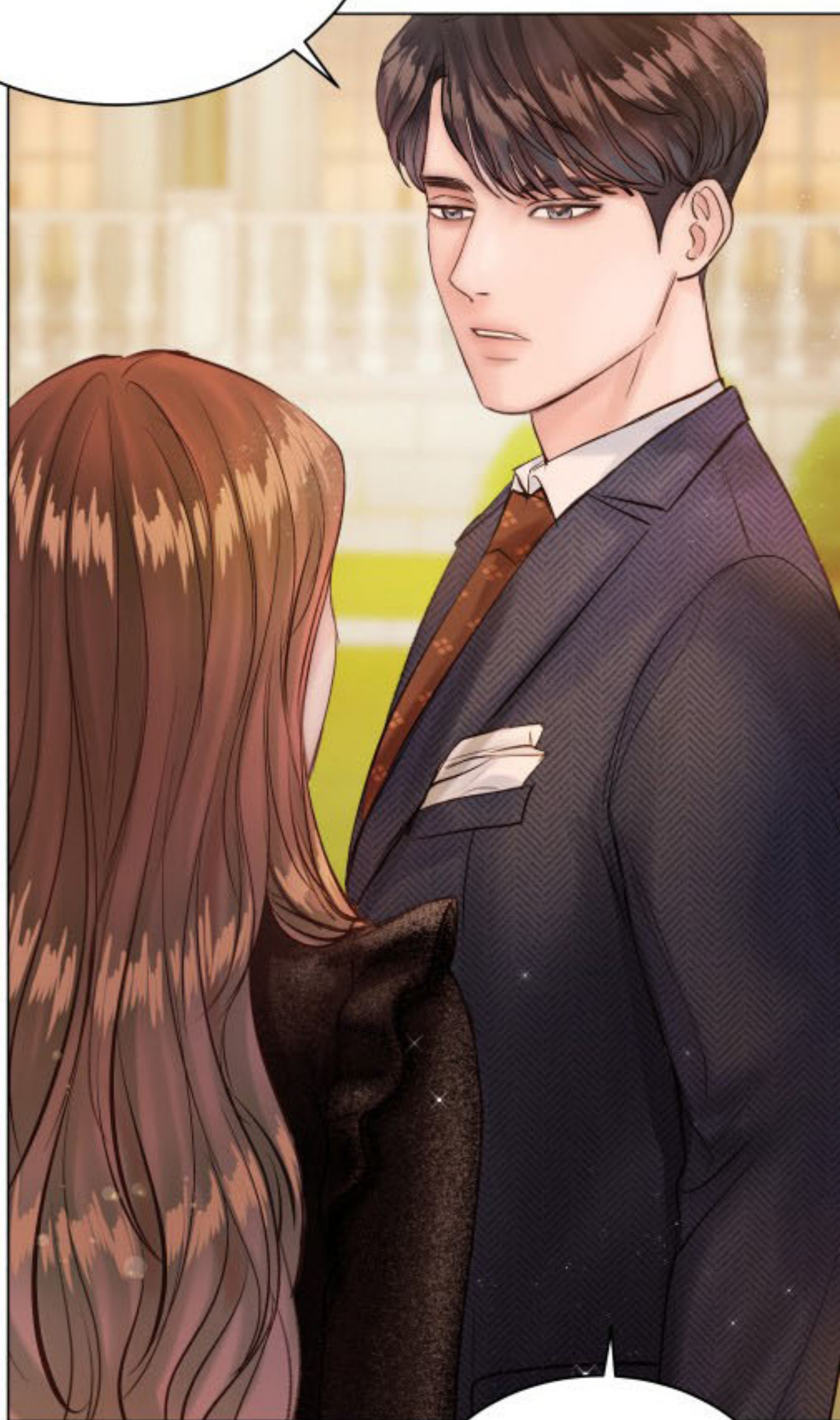


اون دیگہ
کی بود؟



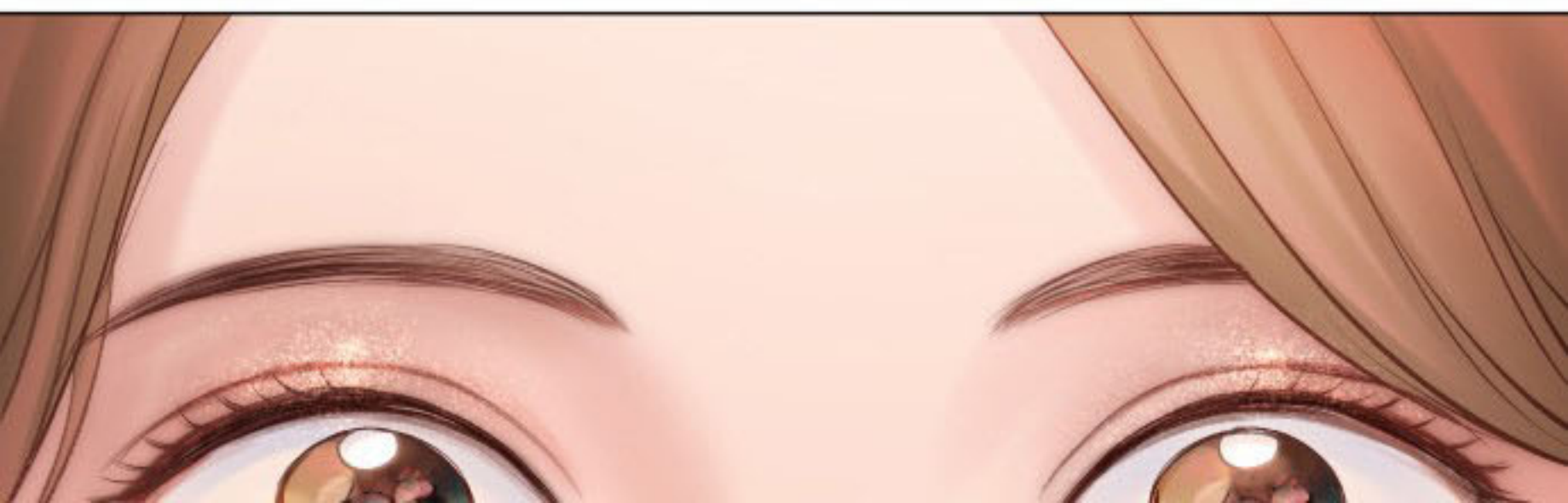


برام مهم نیست چیکار
میکنی فقط حواست باشه
فامیلام این دور و برن.



خیلی ها حواسشون
بهمون هست.

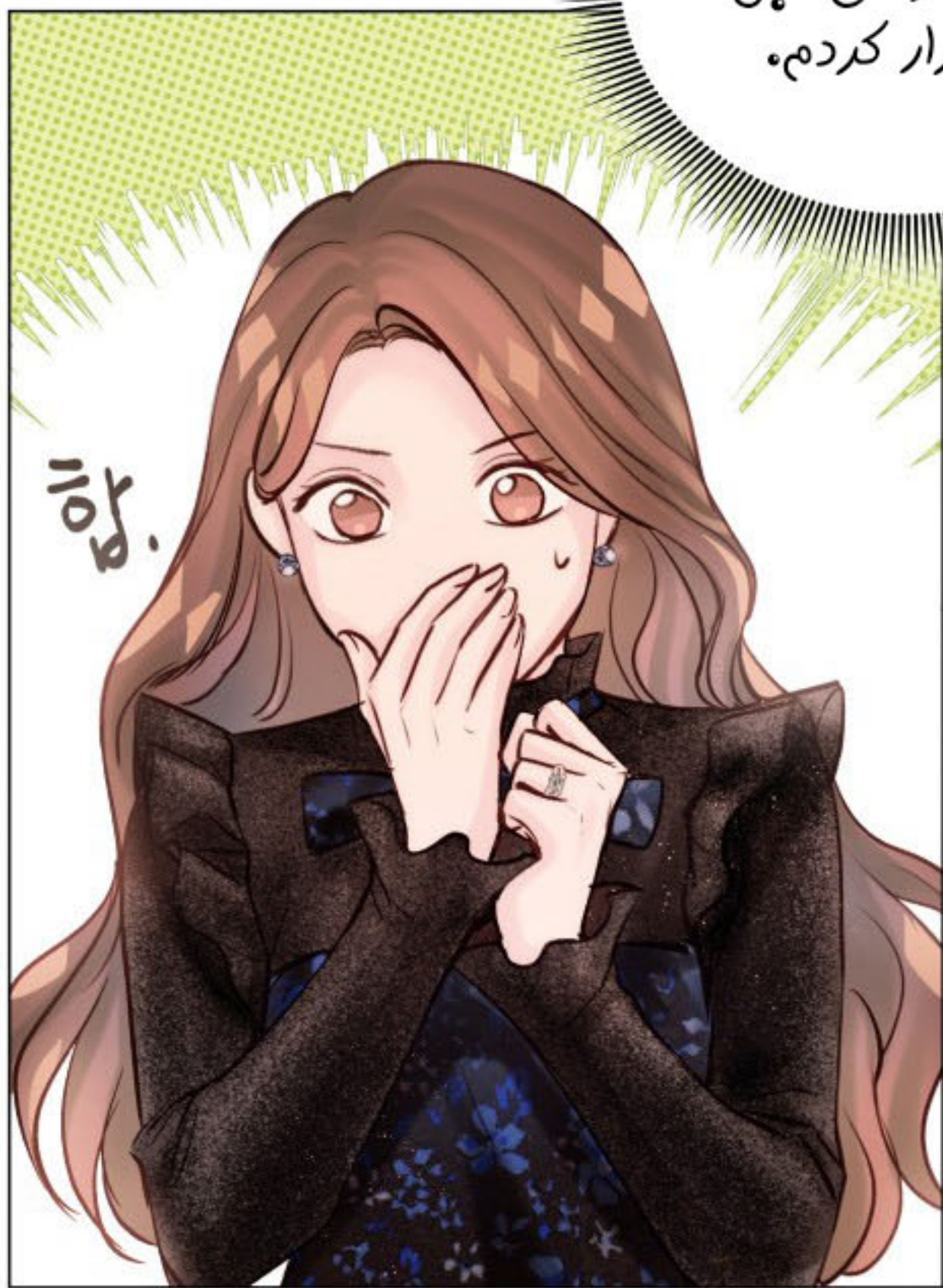
آخه چطور میتونستم
یه آدم زخمی رو ول
کنم و برم؟



헉.

حواسم نبود و دوباره
همون حرفای قبل
رو تکرار کردم.

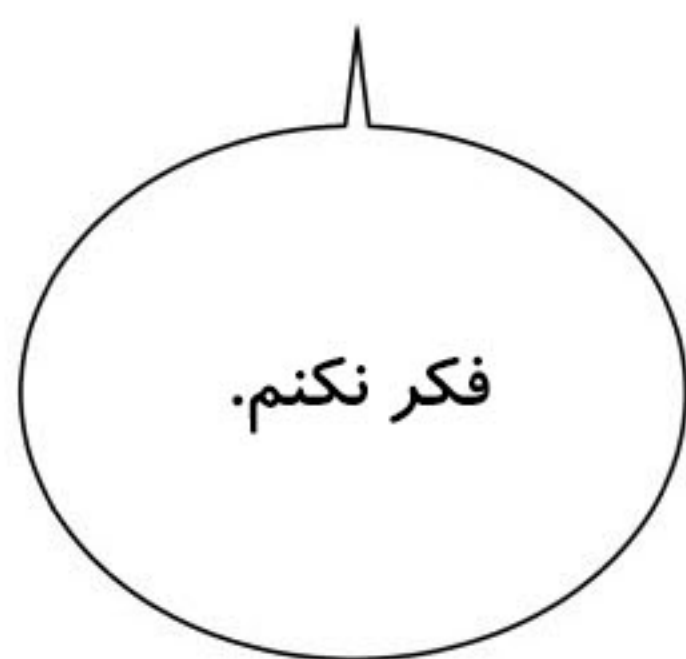
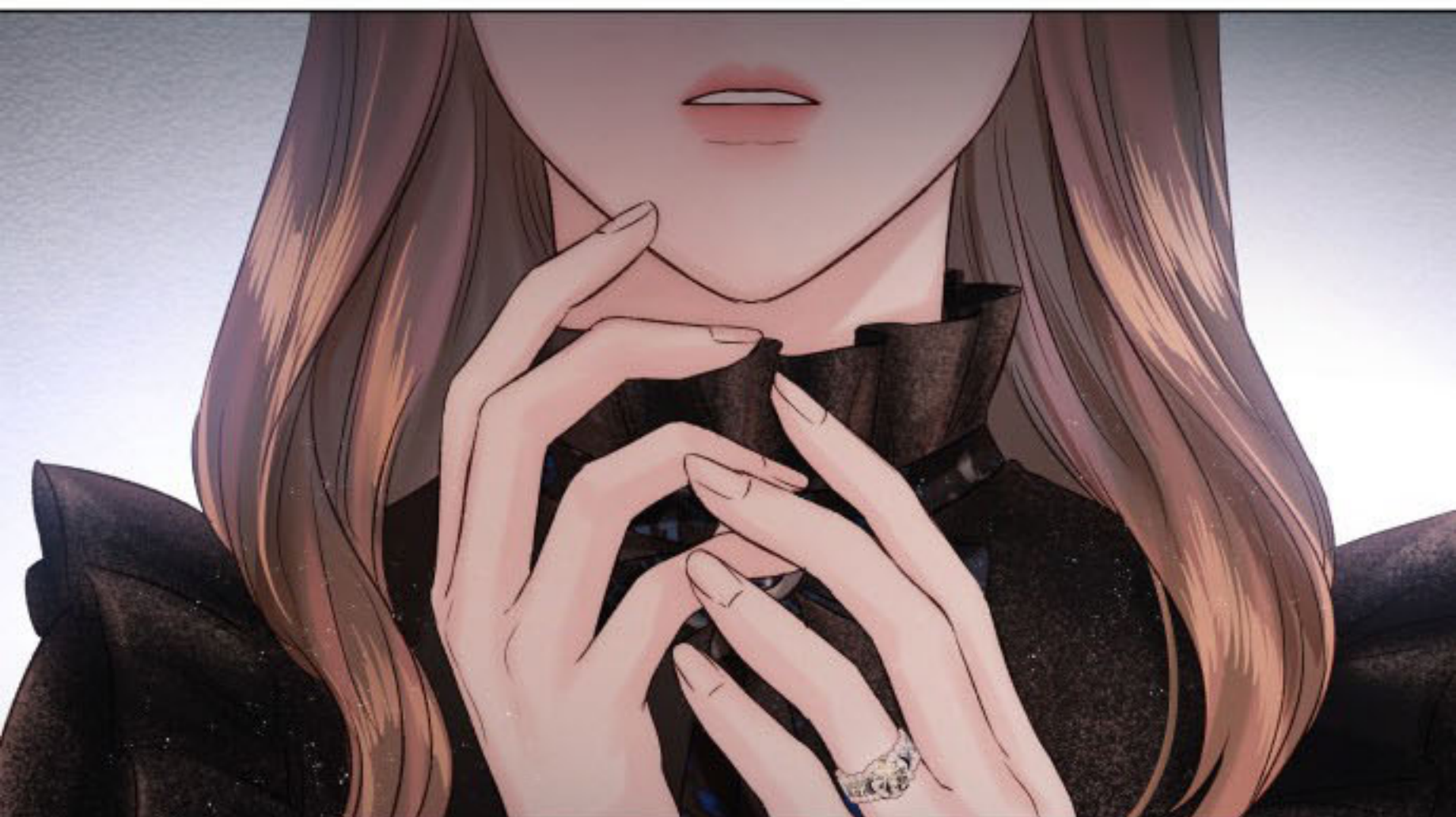
헉.



حتی اگه تو اونجا نباشی،
کلی آدم هست که بهش
کمک میکرد.



.....



**فقط منم که آینده رو میدونم؛
بنابراین فقط منم که میتونم حال رو تغییر بدم.**



من باید انجامش میدادم.



امشب دیر خونه میام.
تو اول برگرد.



هی! کانگ سون
جه! بجنب!





صبر کنین حرفم با
یون وو تموم شه.

ایش. مرتیکه
بدردنخور.



فعلا آجی!

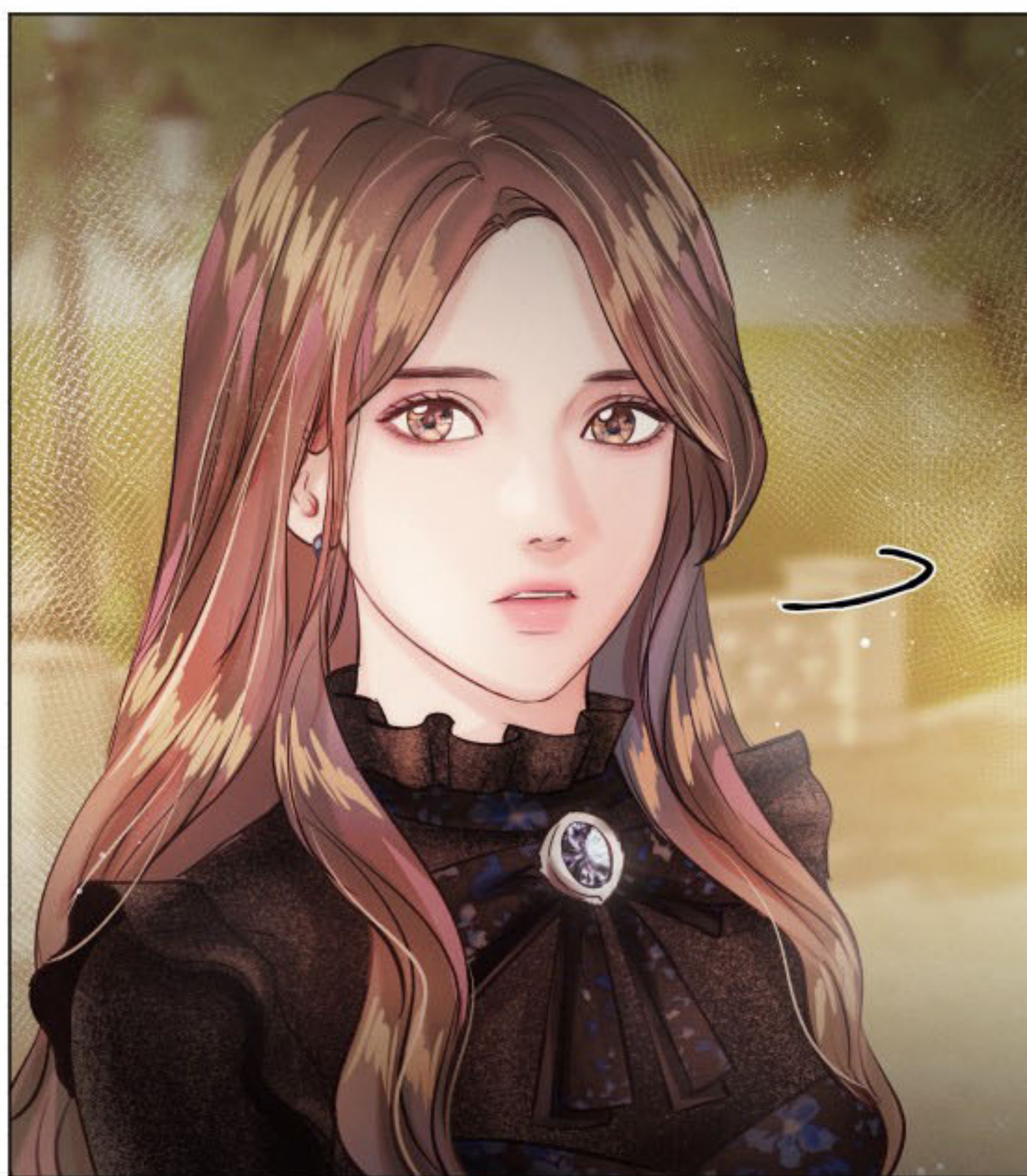




گفتم زن داداش
صداش کن!



این صحبت ها، این
چک ها، همشونو پادمه.



یو سارا.



حتی صحنه ای که اون رد میشه...









خاله هام دارن
نگاه میکنن.





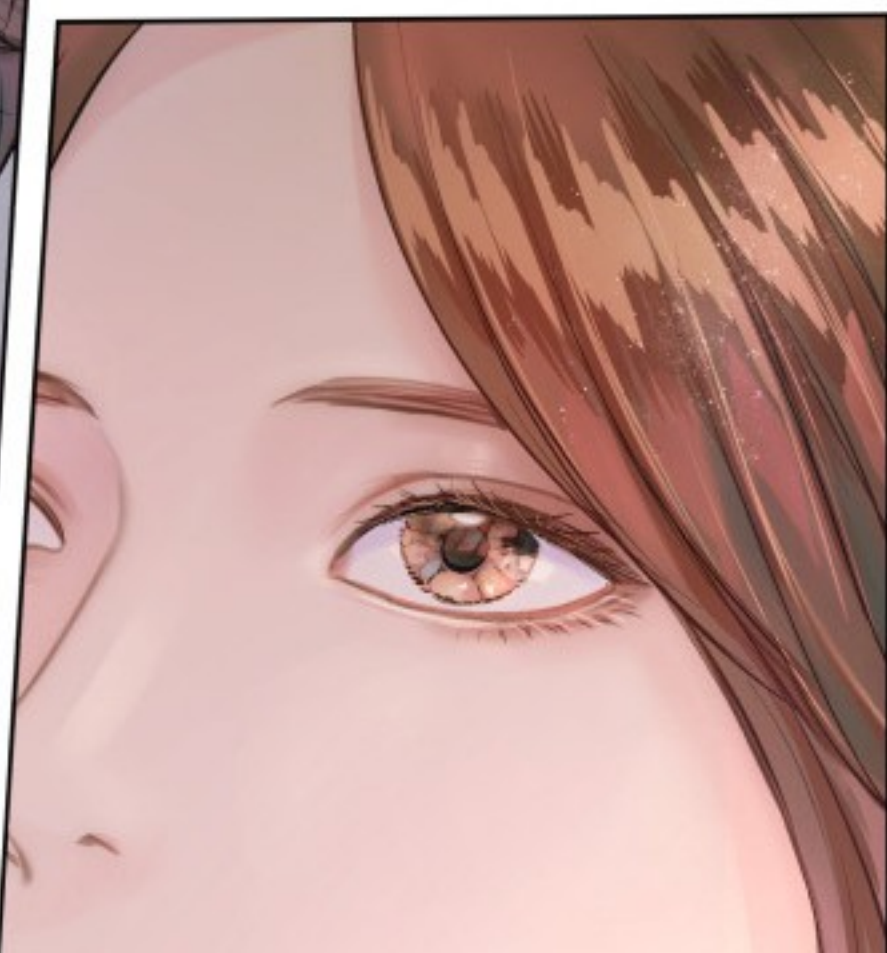
حتما میخوان یه
چیزی رو چک کنن.





저
자
심



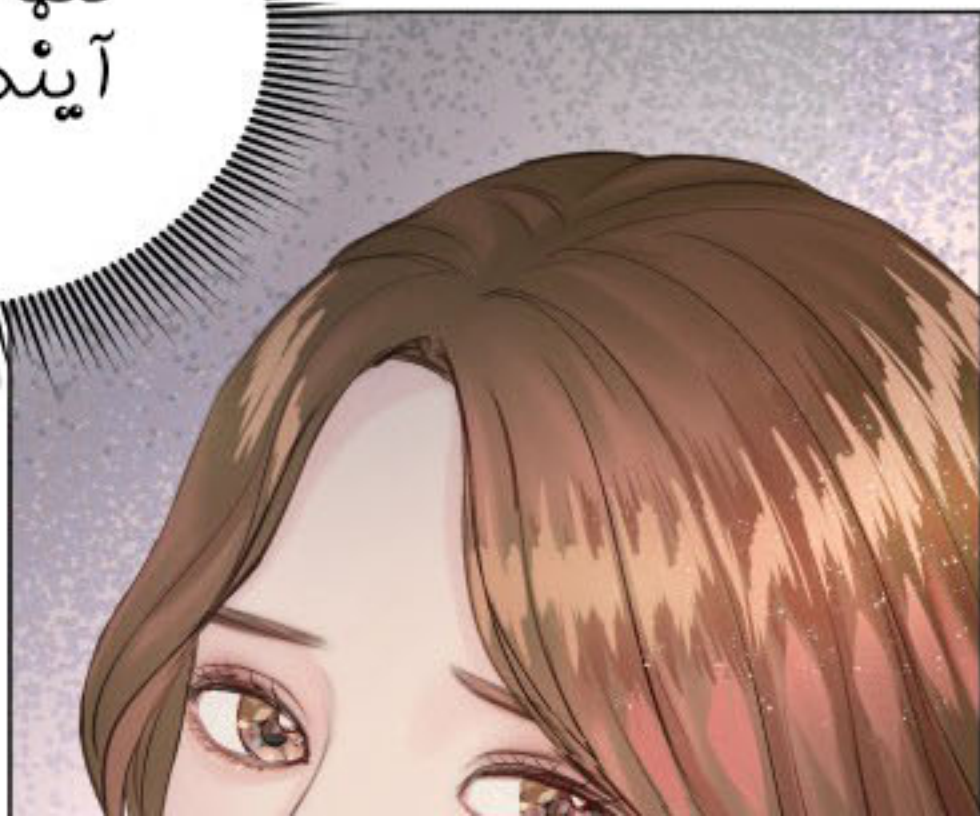


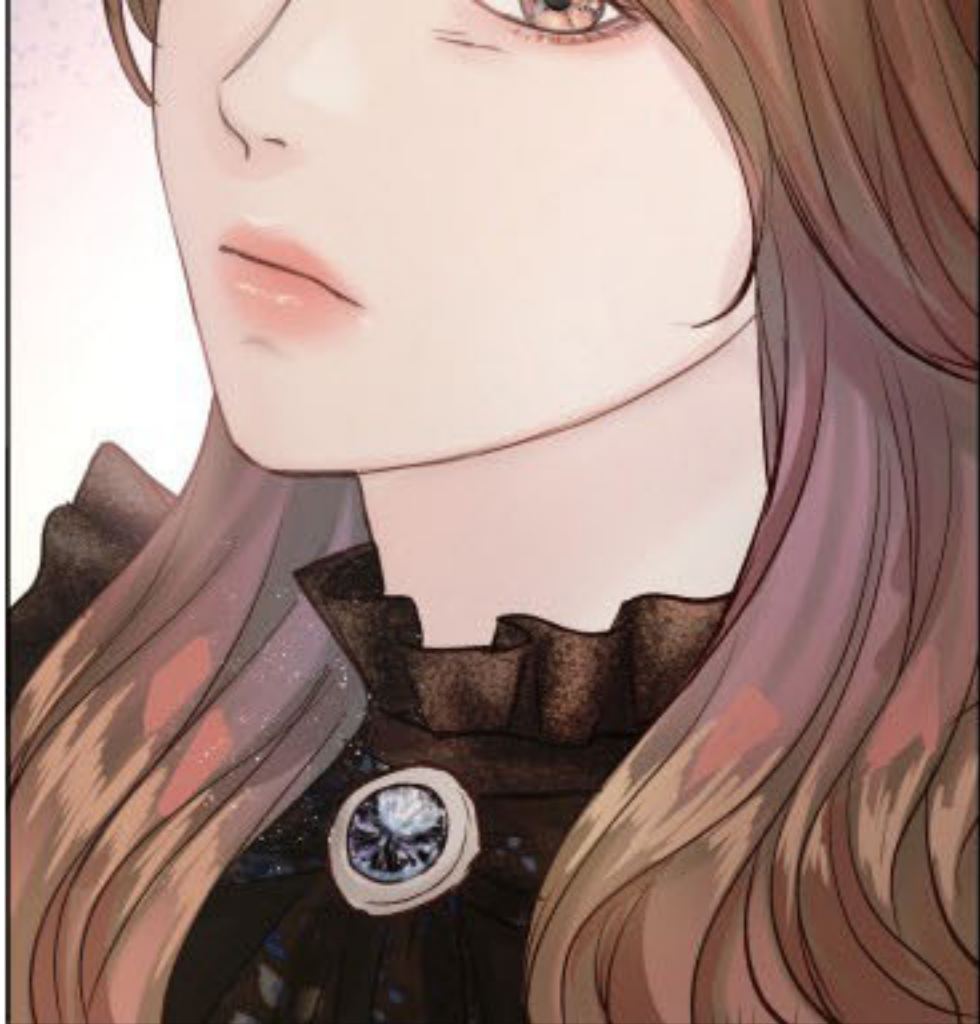




بعد از این چه
اتفاقی قراره پیفته.

تنها راه تغییر
آینده اینه که







اما الان پاپد لاو تو لاو
پاشيم.



توی این وضعیت تنها انتخاب من...







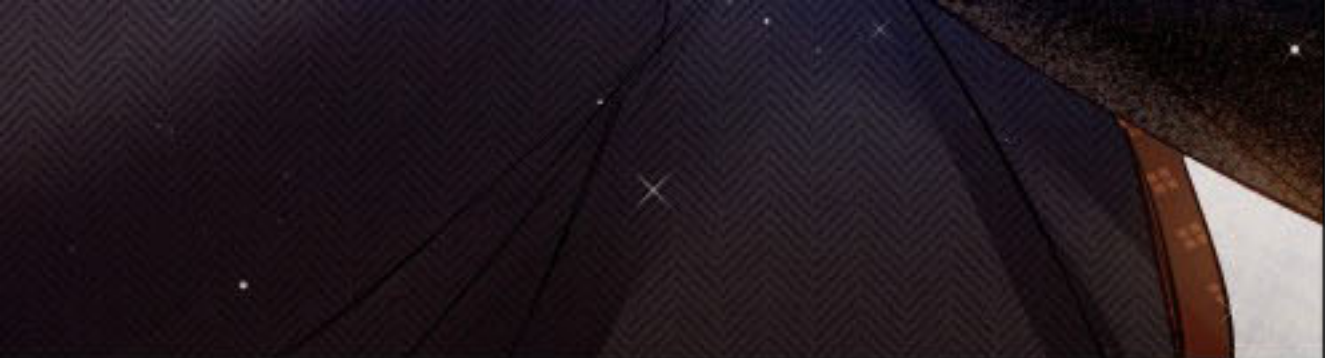
اینه.





اینبار، نمیزارم گذشته تکرار بشه.



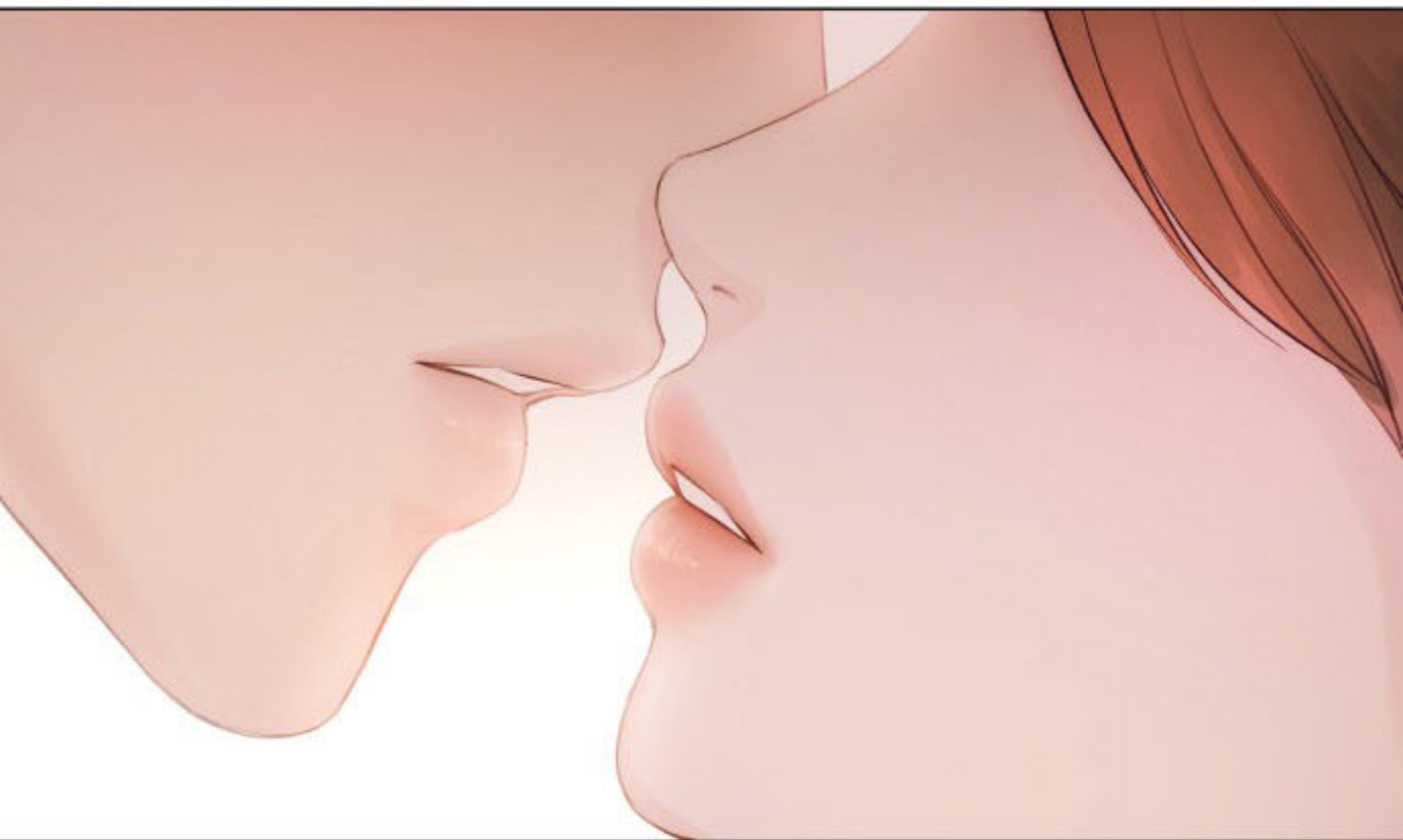


نمیزارم دوباره این اتفاق بیفته.





من در زمان سفر کردم





که بتونم تو رو نجات بدم.



원고 도움 수리 또바기
승연 아노마
은지
제작 **COPIN**



A man with dark hair and a black cardigan over a light shirt stands behind a woman with long brown hair wearing an orange cardigan over a white dress. They are at a table; the man holds a glass of water and the woman holds a grey mug. A speech bubble is on the right.

جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره